

■ مقایسه استنادهای سنتی و تحت وب به مقالات

مجلات دسترسی آزاد در حوزه علوم انسانی

نجلای حریری | افسانه تیموری خانی

■ چکیده

هدف: تعیین اینکه کدامیک از پایگاه‌های استنادی سنتی (وب آوساینس و اسکوپوس) و استنادهای اخذ شده از محیط وب (گوگل اسکالر و گوگل) در ردیابی استنادهای حوزه علوم انسانی بهتر عمل می‌کنند. روش/ رویکرد پژوهش: روش علم‌سنجی است. ۲۱۱ مقاله پژوهشی از ۲۱ مجله دسترسی آزاد در حوزه علوم انسانی در سال ۲۰۰۸ نمونه را تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای نسبی انجام شده است. یافته‌ها: استنادهای گوگل اسکالر در حوزه مجلات دسترسی آزاد علوم انسانی خیلی بیشتر از وب آوساینس است. تقریباً نیمی از استنادهای وب آوساینس در پایگاه گوگل اسکالر وجود دارد و همچنین یک چهارم منابع وب آوساینس در گوگل موجود است. استنادهای گوگل اسکالر نشان داد این پایگاه علاوه بر زبان انگلیسی سایر زبان‌ها را هم پوشش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود برای به دست آوردن تصویر جامع از تأثیر مقالات علوم انسانی، از چندین ابزار به صورت جمعی استفاده شود؛ و گوگل اسکالر می‌تواند یکی از آنها باشد.

کلیدواژه‌ها

استناد تحت وب، استناد سنتی، گوگل اسکالر، وب آوساینس، گوگل، اسکوپوس، علوم انسانی

مقایسه استنادهای سنتی و تحت وب به مقالات مجلات دسترسی آزاد در حوزه علوم انسانی

نجلا حریری^۱ | افسانه تیموری خانی^۲

دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸

مقدمه

از سال ۱۹۹۰ به دنبال اختراع وب، متن کامل مقاله‌های منتشر شده در مجله‌های علمی به تدریج به صورت الکترونیکی و دسترسی آزاد در دسترس پژوهشگران قرار گرفت؛ به صورتی که وب به یکی از مجراهای اصلی ارتباط علمی میان پژوهشگران تبدیل شده است. در واقع اینترنت و وب، نظام سنتی ارتباط علمی و نحوه تولید و توزیع اطلاعات را متحول کرده و الگوی دسترسی به منابع علمی و نتایج یافته‌های پژوهشی را از نظام مبتنی بر حق اشتراک، به سوی نظام دسترسی آزاد سوق داده‌اند (نوروزی، ب ۱۳۸۵). در حقیقت در طول دو دهه اخیر انتشار مجلات علمی در زیر سلطه یک انقلاب واقعی قرار گرفته که نتیجه ظهور وب جهان گستر است. این انقلاب از دو جنبه به هم مرتبط است: اولین و قابل رؤیت‌ترین آن، تغییر سریع مجلاتی که تنها نسخه چاپی داشتند و اکنون همزمانی انتشار الکترونیکی و چاپی آنهاست، (تنوپیر و کینگ^۳، ۲۰۰۰)؛ و دومین مرحله، دسترسی به مقالات بدون هیچ محدودیتی برای اشتراک است که به دسترسی آزاد مربوط می‌شود (ویلینسکی^۴، ۲۰۰۵)، به طوری که در حال حاضر شاهد ۷۳۱۲ مجله دسترسی آزاد تنها در سایت دواج هستیم (دواج^۵، ۲۰۱۱). با توجه به اینکه میزان استناد به مقالات علمی به طور قابل توجهی به میزان رؤیت پذیری و دسترس پذیری آنها بستگی دارد، لذا مجلات دسترسی آزاد در حوزه ارتباطات علمی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. به همین سبب این نوع مجلات به عنوان جامعه مورد پژوهش این تحقیق انتخاب شدند.

۱. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و
تحقیقات تهران
nadjlahariri@hotmail.com
۲. دانش آموخته دکتری علم اطلاعات و
دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
teymourikhani@gmail.com
3. Tenopir, King
4. Willinsky
5. DOAJ

از سوی دیگر با افزایش منابع علمی در محیط وب و اینترنت این مسئله مطرح می‌شود که آیا می‌توان از محیط وب به‌عنوان ابزاری برای مطالعات استنادی استفاده کرد و آن را به‌عنوان ابزاری مکمل و یا حتی جایگزین پایگاه‌های استنادی سنتی مطرح کرد. برای پاسخ‌گویی به این سؤال نیاز است که الگوی استنادی سنتی و تحت وب، مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرد و از این طریق می‌توان به ماهیت داده‌های استنادی قابل دسترس در محیط وب پی برد و به مقایسه آن با استنادهای سنتی پرداخت و در صورت مشابهت میان این دو نوع استناددهی (سنتی و تحت وب) می‌توان همان کارکردی که از استنادهای سنتی انتظار می‌رود و تاکنون از آن استفاده می‌شده را از استنادهای تحت وب انتظار داشت.

قبل از وارد شدن به حوزه پژوهش بهتر است اصطلاحات استناد سنتی و تحت وب بیشتر توضیح داده شود.

استنادهای سنتی (Traditional citation): استنادهای به‌دست‌آمده از پایگاه‌هایی که فرایند نمایه‌سازی و استخراج استنادها در آنها به‌صورت غیر خودکار و غیر اتوماتیک است و انتخاب، گزینش، و داوری منابع توسط نیروی انسانی انجام می‌شود. این اصطلاح در متون مختلف از جمله کوشا (۱۳۸۶)، پرکل^۶ (۲۰۰۵)، سیلو^۷ (۲۰۱۰) مطرح شده است، که در این پژوهش پایگاه وب آو ساینس و اسکوپوس به‌عنوان نماینده این نوع استنادها انتخاب شده است.

استنادهای تحت وب (Web citation): استنادهای به‌دست‌آمده از محیط وب است. منظور استنادهایی است که در آنها یا فرایند نمایه‌سازی و استخراج استنادها به‌صورت خودکار انجام می‌شود؛ و یا با درج عنوان و نشانی اینترنتی مقاله می‌توان میزان استنادها را در محیط وب استخراج کرد. این اصطلاح در متون مختلف از جمله کوشا (۱۳۸۶)، زهانگ^۸ (۲۰۰۶)، سیلو (۲۰۱۰) تحت عنوان استناد تحت وب به‌کاررفته است. در این پژوهش گوگل اسکالر و گوگل نماینده این نوع استنادها انتخاب شده‌اند.

پیشینه ارزیابی تأثیر مدارک در ارتباطات علمی از طریق شمارش تعداد دفعات اشاره شدن به آنها به پیش از وب بازمی‌گردد که به‌صورت تحلیل استنادی انجام می‌شد. برای مدت زمان مدیری مطالعات کتاب‌سنجی تنها براساس ویژگی‌های استناد و روابط استنادی در منابع رسمی صورت می‌گرفت. این مطالعات ویژگی‌های شبکه‌های استنادی رسمی را مورد هدف قرار می‌داد. مؤسسه تامسون علمی^۹ (وب‌آوساینس) سال‌هاست که اطلاعات استنادی مرتبط با مجلات علمی منتخب را گردآوری می‌کند و به‌عنوان پراستفاده‌ترین ابزار به‌منظور ارزیابی فعالیت‌های تحقیقاتی محسوب می‌شود. از سوی دیگر مؤسسه نوظهور اسکوپوس (تأسیس ۲۰۰۴) امروزه به‌عنوان رقیب اصلی وب‌آوساینس درآمده و در تلاش است که در زمینه نمایه‌های استنادی گوی سبقت را از رقیب خود برپاید. این دو مؤسسه

6. Perkel

7. Siluo

8. Zhang

۹. نام قدیم آن مؤسسه اطلاعات علمی است که در ایران بیشتر به ISI معروف است.

استنادی به عنوان بزرگترین مراکز استنادی سنتی درآمده‌اند که در آنها مدارک به صورت گزینشی انتخاب و فرایند نمایه‌سازی آنها توسط نیروی انسانی انجام می‌شود. امروزه با ظهور وب و طیف گسترده‌ای از منابع اطلاعاتی در آن، بستر بالقوه‌ای برای دسترسی به داده‌های استنادی که در پایگاه‌های مذکور نمایه نمی‌شوند پدیدار شد. تکامل عصر الکترونیک سبب توسعه پایگاه‌های متعددی در وب جهان‌گستر شده است، که امکانات جست‌وجو در یک موضوع خاص و توانایی انجام تحلیل‌های استنادی را فراهم می‌کند (فلگنز^{۱۰} و دیگران، ۲۰۰۸). تغییر رفتار انتشاراتی محققان از چاپی به سوی محیط وب و افزایش فرهنگ انتشار دسترسی آزاد در میان محققان باعث ظهور و توسعه شبکه‌های تحت وب شده است (کوشا، ۲۰۰۸). تحلیل‌های استنادی و دیگر تکنیک‌های کتاب‌سنجی به طور موفقیت‌آمیزی برای مطالعه این پدیده جدید در ارتباطات علمی محققان مورد استفاده قرار گرفته‌اند (کرانین^{۱۱}، ۲۰۰۱). ظهور پایگاه‌های استنادی جدید تحت وب مثل گوگل اسکالار، تسلط و نفوذ پایگاه‌های سنتی استنادی مثل وب‌آوساینس و اسکوپوس و همچنین درستی مطالعات کتاب‌سنجی و تحلیل استنادی که منحصر بر اساس داده‌های استنادی سنتی انجام می‌شود را مورد سؤال قرار می‌دهد. امروزه گوگل اسکالار به یکی از ابزارهای قدرتمند تحلیل استنادی تبدیل شده است. گوگل اسکالار مدعی است مدارکی که در وب‌آوساینس و اسکوپوس نمایه نمی‌شوند مثل: نسخه‌های قبل از چاپ، مقالات کنفرانس‌ها؛ مقالات ناشران دانشگاهی، جوامع حرفه‌ای، و دیگر سازمان‌های پژوهشی را در برمی‌گیرد (درباره گوگل اسکالار^{۱۲}، ۲۰۱۱).

در گذشته تحلیل استنادی تنها بر اساس داده‌های پایگاه وب‌آوساینس مؤسسه تامسون علمی انجام می‌شد، که به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود و تأثیر پیشنهادی سنتی را ارائه می‌دهد (بر-ایلان^{۱۳}، ۲۰۰۸). این داده‌ها در تعیین مجموع استفاده و تأثیر تمامی بروندهای علمی منتشر شده توانایی‌های محدودی دارد. بخش عمده‌ای از این محدودیت به تکنولوژی وب و دسته‌ای از آن به ابزارهای پیشرفته انتشاراتی و توزیع (مجلات دسترسی آزاد، ذخایر مؤسسات، گزارش‌های فنی، صفحات خانگی مؤلفان و...) مربوط است. به طور خلاصه می‌توان گفت عملکرد نمایه وب‌آوساینس تمامی حوزه‌های داده‌های استنادی قابل دسترس در انتشارات علمی جاری را پوشش نمی‌دهد و میزان زیادی از داده‌های استنادی شامل وب‌آوساینس نمی‌شود، در نتیجه برای تحلیل استنادی سنتی قابل دسترس نیستند (هاتون^{۱۴}، ۲۰۰۹). تحقیقات اخیر استنادی تحت وب که به وب‌سنجی معروف هستند، گام‌هایی ماورای آنچه در تحلیل‌های استنادی سنتی قابل دسترس است را برای درک تأثیری کل‌نگر ارائه می‌دهد.

10. Falagas

11. Cronin

12. About Google Scholar

13. Bar-Ilan

14. Hutton

از طرف دیگر، برخی پژوهشگران فواید نمایه‌سازی اتوماتیک تحت وب را مورد بحث قرار داده‌اند (منظور گوگل اسکالار است) و معتقدند که این نوع نمایه‌ها در جست‌وجوهای استنادی رشته‌های گسترده‌تر و در پوشش انواع مدارک، کمتر سوگرفته عمل می‌کنند (هیت کوک، ۲۰۰۲، ص ۱۵؛ لاورنس، گیلز و بولاکر، ۱۹۹۹، ص ۱۶). از آنجایی که ۹۰ درصد از مجلات اجازه خودآرشیوی را به مؤلفان می‌دهند (هارند و دیگران، ۲۰۰۴) و گروه بسیاری از مؤلفان تمایل دارند که نسخه‌هایی از مقاله‌شان را در ذخایر مؤسسات و یا ذخایر موضوعی بسپارند (اسوان و بران، ۲۰۰۵، ص ۱۹)، به نظر می‌آید این امر باعث افزایش مدارک تحت وب شده و منطقی است که از تکنیک‌های اخذ شده استنادهای تحت وب برای ردیابی مدارک مرتبط استفاده شود.

وب‌آساینس مدعی است که پایگاهش قسمت مهم و عمده‌ای از پیشینه‌ها را پوشش می‌دهد، زیرا که مجلات عمده‌ترین مجرای ارتباطات علمی محسوب می‌شوند. البته این در تحقیقات علوم انسانی و حتی در بعضی از زمینه‌های علوم اجتماعی جایی که منابعی غیر از مجلات بیشتر اهمیت دارد، مصداق ندارد و باعث چالش‌های بسیاری در پیشرفت‌های اخیر در سیستم ارتباطات علمی، خصوصاً در زمینه علوم انسانی شده است (زائو، ۲۰۰۳).

بعضی از مؤلفان اشاره کرده‌اند که وب‌آساینس برای گردآوری داده‌ها در زمینه علوم اجتماعی و انسانی نمی‌تواند به‌طور مؤثر عمل کند. از آن جمله می‌توان به مباحث مطرح شده از سوی کوشا و تلوال (۲۰۰۷) اشاره کرد. آنها معتقدند اکثر منابع استنادی که بر تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی تأثیرگذار هستند در وب‌آساینس پوشش داده نمی‌شوند که شامل ارتباطات منتشر نشده مثل: ارائه‌ها در کنفرانس‌ها، مباحث کلیدی، فهرست‌ای میل‌ها و مباحث پنهان‌هاست.

هدف اصلی تحقیق حاضر مطالعه تطبیقی استنادهای سنتی (وب‌آساینس و اسکوپوس) و استنادهای اخذ شده از وب (گوگل اسکالار و گوگل) در زمینه علوم انسانی است. با توجه به اینکه گوگل جامع‌ترین و پراستفاده‌ترین موتور کاوش است و امکان جست‌وجوی پیشرفته را فراهم می‌کند (نوروزی، الف ۱۳۸۵؛ گوگل پراستفاده‌ترین موتور جست‌وجو، ۱۳۸۹)، و کوشا (۱۳۸۶) نیز در پایان‌نامه دکتری خود ذکر کرده که با استفاده از روشی خاص می‌توان استنادها را از این موتور کاوش اخذ کرد، به همین دلیل این موتور کاوش به‌عنوان یکی از ابزارهای تحلیل استنادی و کتاب‌سنجی در این تحقیق انتخاب شد.

بیور و باک کالباسی^{۱۵} (۲۰۰۵)، استناد به مقالات سال ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ مجله جیسیست^{۱۶} در وب‌آساینس، اسکوپوس، و گوگل اسکالار را با هم مقایسه کردند. استنادهای گوگل اسکالار برای مقالاتی که در سال ۲۰۰۰ منتشر شده بودند بسیار بیشتر از وب‌آساینس

15. Bauer and Bakkalbasi
16. JASIST

و اسکوپوس بود، ولی بین استنادهای وب آوساینس و اسکوپوس در این سال تفاوت معنی داری وجود نداشت. بیلو^{۱۷} (۲۰۰۵) شش استاد دانشگاه را برحسب تصادف انتخاب کرد و استنادهایی که به انتشارات آنها در وب آوساینس و گوگل اسکالار داده بودند را مقایسه کرد و بین این دو پایگاه همپوشانی اندکی یافت. کوشا و تلوال^{۱۸} (2007a) همپوشانی بین وب آوساینس و گوگل اسکالار را برای ۱۶۵۰ مقاله از ۱۰۸ مجله دسترسی آزاد در چهار رشته علوم (علوم محض) و چهار رشته علوم اجتماعی که در سال ۲۰۰۱ منتشر شده بودند را مورد بررسی قرار دادند و در تمام موارد ارتباطات معنی داری یافتند. آنها همچنین همپوشانی بین استنادهای وب آوساینس و استنادهای گوگل اسکالار را در چهار رشته از علوم بررسی کردند و دریافتند که درصد همپوشانی نسبی برای وب آوساینس (همپوشانی وب آوساینس با گوگل اسکالار تقسیم بر مجموع استنادهای وب آوساینس) ۵۷ درصد بود. همچنین دریافتند که در طول چهار ماه درصد استنادهای وب آوساینس ۱۲ درصد و گوگل اسکالار ۲۲ درصد افزایش یافته است. کوشا و تلوال (2007b) در مطالعه دیگری نوع انتشارات منابع استنادی در گوگل اسکالار که در نمایه وب آوساینس نمایه نشده بودند را در چهار رشته از علوم مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که کنفرانس ها و مقالات کارگاه های آموزشی (۴۳/۲ درصد) منبع غالب در حوزه علوم کامپیوتر بوده اند. نتایج نشان می دهد که نوع استنادهای منحصربه فرد از مدارک تحت وب اهمیت گوناگون در علوم محض دارد. پژوهش مشابهی توسط کولکارنی^{۱۹} و دیگران (۲۰۰۹) نشان داد که وب آوساینس، اسکوپوس و گوگل اسکالار استنادهای کمی و کیفی متفاوتی برای مقالاتی که در سه مجله پزشکی عمومی مورد بررسی قرار گرفته است، ارائه می دهند. کلارکا و گیلا^{۲۰} (۲۰۰۹) نتایج یک مطالعه تطبیقی بین وب آوساینس، اسکوپوس و گوگل اسکالار را برای ۱۵ مجله اقتصادی و تجاری ارائه دادند. استنادها از سه منبع مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود کدام منبع بهتر است؛ یا اینکه یک پایگاه استنادی جدید مثل اسکوپوس و یک پایگاه رایگان مثل گوگل اسکالار می تواند جایگزین وب آوساینس شوند. مؤلفان نتیجه گرفتند که محققان می توانند از ابزارهای جایگزینی به صورت جمعی استفاده کنند تا تصویری کامل تر از تأثیرات پژوهشی یک مقاله را به نمایش بگذارند. لیا^{۲۱} و دیگران (۲۰۱۰) پتانسیل چهار پایگاه تحلیل استنادی وب آوساینس، اسکوپوس، ساینس فایندر^{۲۲} و گوگل اسکالار را با هم مقایسه کردند. آنها اظهار داشتند که هر کدام از این پایگاه ها نقاط ضعف و قدرت خودش را دارد. برای مثال، گوگل اسکالار قابلیت برقراری ارتباط با اطلاعات استنادی در مراجع منحصربه فرد را دارد؛ و وب آوساینس و اسکوپوس گزارش های استنادی جامعی تهیه می کنند. آنها نتیجه گرفتند که تمامی پایگاه ها بعضی از ارجاعات را که در بقیه پایگاه ها موجود است ندارند. در تحقیق دیگری سمب،

17. Belew

18. Kousha and Thelwall

19. Kulkarni

20. Clark and Gila

21. Lia

22. SciFinder

اتروبیچی و پتراک^{۲۳} (۲۰۱۰) مشاهده کردند که گوگل اسکالار با وب آوساینس و اسکوپوس ۴۲ درصد استناد مشترک دارد و یک منبع کتاب‌شناختی و بانفوذ محسوب می‌شود. آنها نتیجه گرفتند که گوگل اسکالار به‌عنوان یک ابزار کتاب‌سنجی می‌تواند جایگزینی برای ارزیابی استنادهای مورد استفاده قرار گیرد.

گرچه تمامی این مطالعات، تحلیل استنادی بین وب آوساینس، گوگل اسکالار و اسکوپوس را مورد مقایسه قرار داده‌اند، ولی هیچ تحقیقی هر چهار منبع مورد بررسی در تحقیق حاضر (یعنی وب آوساینس، اسکوپوس، گوگل اسکالار و گوگل) را بررسی نکرده و از سوی دیگر هیچ تحقیقی به‌طور خاص حوزه علوم انسانی را مورد مطالعه قرار نداده است (که در این تحقیق بر روی آن تأکید شده است). دلایل زیادی وجود دارد که چرا تحلیل‌های استنادی در حوزه علوم انسانی محبوب نیستند و تعداد مطالعات استنادی در حوزه علوم انسانی نسبت به علوم (علوم محض) و علوم اجتماعی مورد غفلت و مسامحه قرار گرفته است. دو دلیل عمده برای این پدیده وجود دارد: نخست اینکه انتشارات و رفتار استنادی در علوم انسانی بسیار متفاوت از علوم و علوم اجتماعی است. در حالی که در علوم و علوم اجتماعی مجلات پژوهشی به‌عنوان مجرای اصلی در ارتباطات علمی در نظر گرفته می‌شود، در علوم انسانی این نقش به‌وسیله تک‌نگاشت‌ها حفظ می‌شود. دلیل دوم اینکه، نمایه‌های استنادی جهانی برای علوم انسانی وجود ندارد (ون امپ^{۲۴} و دیگران، ۲۰۰۶). گرچه از سال ۱۹۷۵ مؤسسه تامسون علمی نمایه استنادی علوم انسانی و هنر را ارائه کرده است و در حال حاضر ۲۳۰۰ مجله علوم انسانی و هنر را شامل می‌شود، ولی هنوز گزارش استنادی مجلات برای این حوزه از دانش تهیه نشده است (تامسون^{۲۵}، ۲۰۱۱).

در این مقاله مؤلفان استنادهای برگرفته از دو پایگاه استناد سنتی وب آوساینس و اسکوپوس، و دو موتور کاوش گوگل اسکالار و گوگل را مورد مقایسه قرار می‌دهند؛ به این منظور که کدام پایگاه یا موتور کاوش، استنادهای بیشتری از مقالات ۲۱ مجله دسترسی آزاد علوم انسانی (زبان‌شناسی و فلسفه) را دریافت کرده است. هدف اصلی این مطالعه کشف جنبه‌های کمی و کیفی استنادهای تحت وب نسبت به سنتی در مورد مجلات دسترسی آزاد فلسفه و زبان‌شناسی است، که برای دستیابی به آن، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. تعداد، میانگین و میانه استنادهای سنتی و تحت وب مجلات دسترسی آزاد فلسفه و زبان‌شناسی چه میزان است؟
۲. همپوشانی استنادهای گوگل اسکالار، وب آوساینس و گوگل در رشته‌های فلسفه و زبان‌شناسی چه میزان است؟
۳. استنادهای اخذشده از گوگل اسکالار چه زبان‌هایی را پوشش می‌دهد؟

23. Šembe, Utrobičić & Petrak
24. Van Impe
25. Thomson

جامعه مورد مطالعه ۲۱۱ مقاله پژوهشی از ۲۱ مجله دسترسی آزاد در حوزه علوم انسانی در سال ۲۰۰۸ (در نظر گرفتن سه سال برای اینکه مقالات زمان کافی برای استناد شدن داشته باشند) است. در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ کلیه استنادها از هر دو پایگاه و دو موتور جست‌وجو بررسی و ذخیره شد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع مطالعات وب‌سنجی است که از روش علم‌سنجی و فن تحلیل استنادی برای به‌دست آوردن داده‌ها استفاده شده است. در این مطالعه، مجلات دسترسی آزاد داوری شده سال ۲۰۰۸ حوزه علوم انسانی (زبان‌شناسی و فلسفه) از سایت انتخاب شدند. تنها مقالات پژوهشی مجلات انتخاب، و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده شد و در نتیجه ۲۱۱ مقاله پژوهشی از ۲۱ مجله دسترسی آزاد را برگزیدیم.

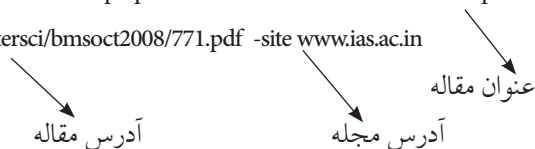
برای به‌دست آوردن استنادهای وب‌آساینس برای مجلاتی که در این پایگاه نمایه شده‌اند، عنوان مقالات در فیلد عنوان جست‌وجو شد. البته برای جلوگیری از هرگونه ریزش کاذب، اطلاعات کتاب‌شناختی مقاله بازیابی شده (نظیر نام مؤلف، نام مجله، سال نشر) با اطلاعات کتاب‌شناختی مقاله نمونه اصلی مقایسه شد. پس از اطمینان از صحت مقاله بازیابی شده، از طریق انتخاب گزینه Times cited در ذیل هر رکورد بازیابی شده منابع استناد کننده ثبت و ذخیره شد. اما برای مجلاتی که در وب‌آساینس نمایه نشده‌اند، عنوان مجله و اختصار آن همراه با محدود کردن سال نشر به سال ۲۰۰۸ جست‌وجو شد. این بار هم برای جلوگیری از ریزش کاذب، اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات بازیابی شده با اطلاعات کتاب‌شناختی نمونه اصلی مطابقت داده شده و برای به‌دست آوردن استنادها از گزینه Times cited استفاده شد. روش دوم به‌خاطر اختصارات متفاوتی که برای عناوین مجلات به‌کار گرفته شده بود، با محدودیت‌هایی همراه شد که البته با استفاده از قابلیت کوتاه‌سازی سعی شد تا در حد امکان اختصارات مرتبط با یک عنوان مجله مشخص و بازیابی شود.

برای به‌دست آوردن استنادهای گوگل اسکالار عنوان مقاله پژوهشی به‌صورت جست‌وجوی عبارتی در صفحه اصلی پایگاه استنادی گوگل اسکالار جست‌وجو شد. پس از انجام جست‌وجو، اطلاعات کتاب‌شناختی مقالات بازیابی شده با اطلاعات نمونه اصلی مقایسه شد تا از صحت و درستی نتیجه بازیابی شده اطمینان حاصل شود؛ سپس با استفاده از گزینه Cited by در ذیل هر رکورد، منابع استنادی به آن مقاله برای مطالعات بعدی ثبت و ذخیره شد.

برای گردآوری داده‌ها در پایگاه اسکوپوس عنوان مجلات در این پایگاه جست‌وجو شد. هیچ‌یک از مجله‌های مورد بررسی در این پایگاه نمایه نشده بودند، اما برای اینکه احتمال می‌رفت مقالات مجلات مورد بررسی در دیگر مجلات نمایه شده در این پایگاه مورد استناد قرار گرفته باشند، این بار عنوان مجله و اختصار آن با استفاده از قابلیت کوتاه‌سازی^{۲۶} با محدود کردن سال نشر به ۲۰۰۸ مورد جست‌وجو قرار گرفت، که این بار هم هیچ مقاله‌ای بازیابی نشد. روش به‌کاررفته برای گردآوری داده‌ها در موتور کاوش گوگل از روشی که کوشا در پایان نامه دکتری خود استفاده کرده اخذ شده است (کوشا، ۱۳۸۶). در این روش (که تحت عنوان «Web/URL citation extraction» نامگذاری شده) درحقیقت ترکیبی از دو روش جست‌وجوی استنادهای تحت وب از طریق مقالات (Web citation) یا نشانی الکترونیکی (URLCitation) آنهاست. روش نخست توسط وان و شاو (۲۰۰۳) و روش دوم توسط کوشا و تلوال (۲۰۰۶) برای بازیابی استنادهای تحت وب به مقالات مجلات به‌کاررفته است. در این تحقیق از عملگر OR برای ترکیب عنوان مقالات با نشانی اینترنتی مقالات مجلات الکترونیکی استفاده شده است. برای روشن شدن روش مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها در موتور کاوش گوگل، در ذیل مثالی ذکر شده است:

A novel method for preparation of hollow and solid carbon spheres« OR www.ias.»

ac.in/matserci/bmsoct2008/771.pdf -site www.ias.ac.in



این جست‌وجو منجر به بازیابی منابع استنادی‌ای می‌شود که هم به‌صورت فرامتن و هم به‌صورت ایستا در صفحات وب درج شده است. از قابلیت جست‌وجوی site- برای نادیده گرفتن استنادهای تحت وب از فضای سایت خود مجله استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول ۱، میزان استناد به مقالات پژوهشی زبان‌شناسی و فلسفه را در سال ۲۰۰۸ براساس پایگاه‌های وب آوساینس، گوگل اسکالر، و اسکوپوس و همچنین موتور کاوش گوگل نشان می‌دهد. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که میانگین استناد در موتور کاوش گوگل از هر سه پایگاه دیگر مورد بررسی به‌طرز قابل توجهی خصوصاً در رشته زبان‌شناسی بیشتر است. این جدول نشان می‌دهد که میانگین استناد در وب آوساینس در مقالات زبان‌شناسی بسیار بیشتر از فلسفه است. همچنین میانگین استنادهای وب آوساینس در هر دو رشته مورد بررسی

26. Truncation

کمتر از گوگل اسکالار است و نشان می‌دهد که گوگل اسکالار مقالات مجلات حوزه علوم انسانی را پوشش بهتری می‌دهد. پایگاه اسکوپوس هیچ کدام از دو رشته و مجلات مورد بررسی تحقیق حاضر را پوشش نمی‌دهد و اینطور به نظر می‌رسد که این پایگاه برای مطالعات استنادی حوزه علوم انسانی کارایی لازم را ندارد.

منابع استنادی	فلسفه		زبان‌شناسی	
	تعداد مقاله	تعداد استناد	تعداد مقاله	تعداد استناد
وب‌آوساینس	۸۰	۲۶	۱۳۱	۱
گوگل اسکالار	۸۰	۲۱۴	۱۳۱	۵۹
اسکوپوس	۸۰	۰	۱۳۱	۰
گوگل	۸۰	۱۰۱۱	۱۳۱	۷۵۷

جدول ۱

میزان استناد به مقالات پژوهشی زبان‌شناسی و فلسفه سال ۲۰۰۸ در وب‌آوساینس، گوگل اسکالار، اسکوپوس، و گوگل

از آنجاکه هیچ استنادی از پایگاه اسکوپوس برای مقالات مورد مطالعه کسب نشد، لذا امکان اینکه همپوشانی این پایگاه استنادی را با سایر پایگاه‌ها بتوان مقایسه و بررسی کرد وجود نداشت. جدول ۲، همپوشانی میان پایگاه‌های گوگل اسکالار و گوگل را در رشته‌های زبان‌شناسی و فلسفه نشان می‌دهد. همپوشانی نسبی در گوگل اسکالار در رشته زبان‌شناسی تقریباً دو برابر رشته فلسفه است. گرچه هم گوگل اسکالار و هم گوگل استنادهای تحت وب را به تصویر می‌کشند، ولی ملاحظه می‌شود که استنادهای منحصر به فرد در هر دو موتور کاوش و در هر دو رشته بررسی شده بالای ۹۰ درصد است. این موضوع بیانگر این است که استنادهای منحصر به فرد این دو موتور کاوش بسیار زیاد است و همپوشانی اندکی بین این دو موتور وجود دارد.

رشته‌ها	تعداد مقاله	تعداد استناد		همپوشانی	همپوشانی نسبی		استنادهای منحصر به فرد	
		گوگل اسکالار	گوگل		گوگل اسکالار	گوگل		
زبان‌شناسی	۸۰	۲۱۴	۱۰۱۱	۱۵	۷/۰۱	۱/۴۸	۹۲/۹۹	۹۸/۵۲
فلسفه	۱۳۱	۱۳۱	۷۵۷	۴	۳/۰۵	۰/۵۳	۹۶/۹۵	۹۹/۴۷

جدول ۲

همپوشانی استنادهای گوگل و گوگل اسکالار در رشته‌های زبان‌شناسی و فلسفه

جدول ۳، میزان همپوشانی میان استنادهای وب‌آوساینس و گوگل اسکالار را نمایش می‌دهد. از آنجاکه در رشته فلسفه تعداد استناد در پایگاه وب‌آوساینس به قدری نبود که بتوان آن را مورد تجزیه تحلیل قرار داد، لذا در این جدول تنها همپوشانی در رشته زبان‌شناسی نمایش داده شده است. همانطور که در جدول مشهود است تعداد استنادهای مشترک بین وب‌آوساینس و گوگل اسکالار ۱۴ مورد است. همپوشانی استنادها در پایگاه وب‌آوساینس ۵۳/۸۵ درصد و در گوگل اسکالار ۶/۵۴ درصد است. آنچه در این جدول حائز اهمیت است میزان استنادهای منحصر به فرد گوگل اسکالار است. ۹۳/۴۶ درصد از استنادهای پایگاه گوگل اسکالار منحصر به فرد هستند، در صورتی که میزان استنادهای منحصر به فرد وب‌آوساینس ۴۷/۱۵ درصد است. این امر بیانگر این است که تقریباً نیمی از استنادهای وب‌آوساینس در پایگاه گوگل اسکالار وجود دارد.

تعداد استناد		همپوشانی نسبی		همپوشانی استناد	تعداد مقاله	
وب‌آوساینس	گوگل اسکالار	وب‌آوساینس	گوگل اسکالار		وب‌آوساینس	گوگل اسکالار
۲۶	۲۱۴	۵۳/۸۵ %	۶/۵۴ %	۱۴	۲۶	۸۰

جدول ۳

همپوشانی استنادهای گوگل اسکالار و وب‌آوساینس در رشته زبان‌شناسی

چنانکه قبلاً ذکر شد از آنجا که تعداد استنادها در رشته فلسفه در پایگاه وب‌آوساینس به میزانی نبود که مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، لذا در جدول ۴ هم تنها همپوشانی بین استنادهای وب‌آوساینس و گوگل در رشته زبان‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ۲۳/۰۸ درصد از استنادهای وب‌آوساینس توسط موتور کاوش قابل بازیابی بوده‌اند، یعنی تقریباً حدود یک‌چهارم از استنادهای این پایگاه معروف در گوگل هم موجود است. استنادهای منحصر به فرد گوگل ۹۹/۴۲ درصد است، که این رقم بسیار بالا نشان‌دهنده پوشش وسیع این موتور کاوش است.

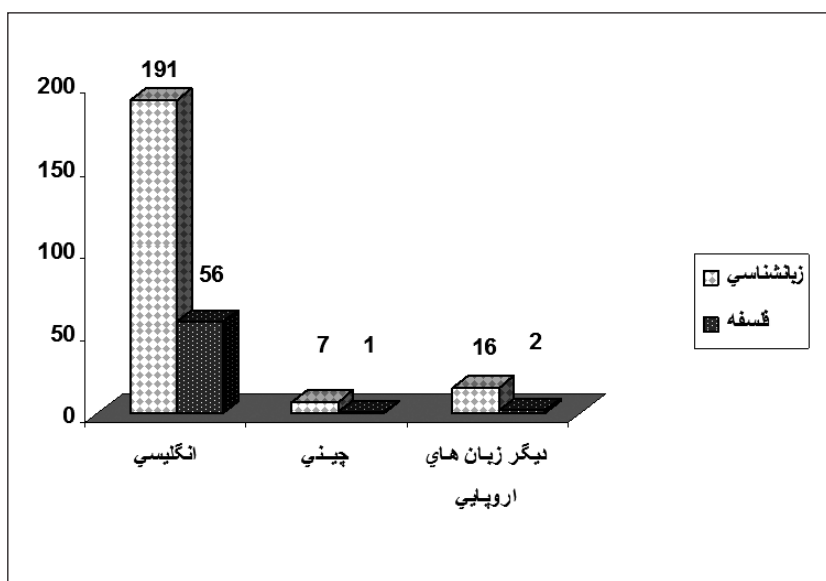
تعداد استناد		همپوشانی نسبی		همپوشانی	تعداد مقاله	
وب‌آوساینس	گوگل	وب‌آوساینس	گوگل		وب‌آوساینس	گوگل
۲۶	۱۰۱۱	۲۳/۰۸ %	۰/۵۹ %	۶	۲۶	۸۰

جدول ۴

همپوشانی استنادهای وب‌آوساینس و گوگل در رشته زبان‌شناسی

یکی از ایرادهایی که به نمایه استنادی وب‌آوساینس همواره وارد می‌شود این است که این پایگاه تنها زبان انگلیسی را پوشش می‌دهد و از طرف دیگر، گوگل اسکالار نیز مدعی

است که زبان‌های مختلفی را پوشش می‌دهد، لذا در این پژوهش زبان اسنادهای برگرفته از وب‌آوساینس و گوگل اسکالر مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که تمامی اسنادهای وب‌آوساینس در جامعه مورد مطالعه به زبان انگلیسی بودند، اما گوگل اسکالر زبان‌های متنوعی را پوشش می‌دهد. نمودار ۱، بررسی زبانی اسنادهای گوگل اسکالر را نمایش می‌دهد. در این تحقیق زبان‌های مورد بررسی به سه دسته عمده زبان انگلیسی، چینی، و دیگر زبان‌های اروپایی تقسیم‌بندی شده است. همانطور که در نمودار مشخص است بخش اعظمی از اسنادهای گوگل اسکالر به زبان انگلیسی هستند.



نمودار ۱

زبان اسنادهای گوگل اسکالر

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق بیانگر این است که میانگین و میانه اسنادهای گوگل نسبت به سه پایگاه مورد بررسی به طور قابل توجهی بیشتر است. این امر بیانگر پوشش جامع این موتور کاوش است، و این گفته نوروژی را که موتور کاوش گوگل جامع‌ترین موتور کاوش است را به نوعی تأیید می‌کند (نوروژی، الف ۱۳۸۵). بعد از آن گوگل اسکالر و وب‌آوساینس دارای بیشترین اسنادها هستند. گرچه در رشته فلسفه میزان اسنادها در وب‌آوساینس به اندازه‌ای نبود که بشود نتایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، ولی در رشته زبان‌شناسی ملاحظه می‌شود که تعداد اسنادهای گوگل اسکالر تقریباً ۸ برابر تعداد اسنادهای وب‌آوساینس است، که بیانگر پوشش جامع‌تر و گسترده‌تر این پایگاه نسبت به پایگاه وب‌آوساینس است و گفته‌های هیت

کوک، لاورنس، گیلز، و بولاکر درباره این پایگاه (هیت کوک، ۲۰۰۲؛ لاورنس، گیلز و بولاکر، ۱۹۹۹) و همچنین ادعای خود گوگل اسکالار (درباره گوگل اسکالار، ۲۰۱۱) را تأیید می‌کند. از آنجاکه منابع موجود در وب‌آوساینس همه به‌نوعی مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرند و قرار گرفتن مجله‌ای در این نمایه، نوعی اعتبار علمی برای آن مجله محسوب می‌شود. لذا با بررسی همپوشانی این پایگاه با موتور کاوش گوگل و گوگل اسکالار می‌توان اعتبار منابع موجود در آنها را نیز مورد ارزیابی قرارداد. گرچه تعداد استنادهای گوگل اسکالار به‌طور قابل توجهی بیشتر از سایر پایگاه‌های مورد بررسی است، اما همپوشانی آن با پایگاه وب‌آوساینس نسبت به همپوشانی گوگل اسکالار با این پایگاه بسیار کمتر است. گوگل اسکالار تقریباً نیمی از منابعی که در وب‌آوساینس نمایه می‌شوند را پوشش می‌دهد، در صورتی که این موضوع در گوگل تقریباً برابر یک‌چهارم است. این امر بیانگر وجود منابع با کیفیت در گوگل اسکالار است و با اینکه سیستم استناددهی آن به‌صورت خودکار و اتوماتیک و بدون گزینش انجام می‌شود، ولی به‌نوعی کیفیت منابع استنادشده در آن نسبت به گوگل از اعتبار بالاتری برخوردار است. بررسی همپوشانی گوگل اسکالار و گوگل نشان می‌دهد که در هر دو رشته مورد بررسی میزان همپوشانی پایین است (گرچه در رشته زبان‌شناسی این میزان تقریباً دو برابر رشته فلسفه است) و استنادهای منحصربه‌فرد در هر دو بیش از ۹۰ درصد است، اما بررسی زبانی استنادهای گوگل اسکالار نشان می‌دهد که این پایگاه نسبت به پایگاه وب‌آوساینس در مورد پوشش زبان‌های غیر انگلیسی کارآمدتر است.

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت در رشته‌های علوم انسانی (که مجلات مهم‌ترین مجرای ارتباط علمی محسوب نمی‌شوند) پایگاه وب‌آوساینس نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد، زیرا این پایگاه تنها مجلات را پوشش می‌دهد. البته اخیراً با ایجاد پایگاه‌های جدیدی در مؤسسه تامسون علمی سعی شده است که این نقیصه خود را جبران کند. از طرفی میزان استنادهای گوگل اسکالار به مقالات مجلات علوم انسانی در حدی است که بتوان از آن به‌عنوان یک پایگاه استنادی و یک ابزار کتاب‌سنجی برای ردیابی استنادها در این حوزه استفاده کرد و این یافته‌ها نتایج سمب، اتروبیچی و پتراک (۲۰۱۰) را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین بررسی زبانی استنادها در گوگل اسکالار نشان داد که این پایگاه می‌تواند برای کشورهایی که زبان غیر انگلیسی دارند در ردیابی استنادها مفیدتر باشد. در خاتمه مؤلفان پیشنهاد می‌کنند که محققان برای اینکه تصویری جامع از تأثیر مقالات علوم انسانی داشته باشند بهتر است که از چندین ابزار به‌صورت جمعی استفاده کنند و گوگل اسکالار می‌تواند یکی از این ابزارها باشد.

کاربرد نتایج این تحقیق می‌تواند در انتخاب و اشتراک پایگاه برای رشته‌های علوم انسانی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به عدم پوشش رشته‌های فلسفه و زبان‌شناسی در

پایگاه اسکوپوس، به نظر می‌رسد که اشتراک آن برای دانشکده‌هایی که این رشته‌ها را پوشش می‌دهند غیر ضروری است. همچنین با توجه به پوشش پایین پایگاه وب‌آوساینس در رشته مورد بررسی، به نظر اشتراک این پایگاه برای دانشکده‌هایی که این رشته‌ها را پوشش می‌دهند باید با احتیاط و دقت بیشتری انجام شود. همچنین با توجه به همپوشانی نیمی از منابع موجود در وب‌آوساینس، در پایگاه گوگل اسکالر محققین می‌توانند در صورت عدم دسترسی به وب‌آوساینس از داده‌های استنادی و منابع موجود در این پایگاه استنادی تحت وب با اطمینان بیشتری استفاده کنند. موتور کاوش گوگل هم با توجه به همپوشانی پایین با وب‌آوساینس و حتی با پایگاه استنادی تحت وب گوگل اسکالر، به نظر می‌رسد که نمی‌تواند برای داده‌های استنادی و ردگیری استنادها مناسب باشد.

منبع

- کوشا، کیوان (۱۳۸۶). مقایسه کمی و کیفی میان استنادهای آی.اس.آی و برگرفته از وب به مقالات مجلات علوم و علوم اجتماعی: کاربرد وب‌سنجی در مطالعه رویه‌های ارتباطات علمی رسمی و غیررسمی. استاد راهنما عباس حری. پایان نامه دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- گوگل پر استفاده‌ترین موتور جست‌وجو (۱۳۸۹). به نقل از سایت تازه‌های فناوری. بازیابی شده در ۱۰ آذر ۱۳۹۰، از: <http://kalagar.ir/?p=449>
- نوروزی، علیرضا (الف ۱۳۸۵). بررسی میزان حضور ایران در وب. *فصلنامه کتاب*، ۱۷(۴): ۵۳-۶۲.
- _____ (ب ۱۳۸۵). مجله‌های دسترسی آزاد و نقش آنها در گسترش دانش و پیشرفت علمی ایران. *رهیافت*، ۳۸: ۱۵-۲۱.

- About Google Scholar (2011). Retrieved 5 May 2011, from: <http://scholar.google.com/scholar/about.html>.
- Bar-Ilan, J. (2008). "Which h-index? A comparison of WoS, Scopus and Google Scholar". *Scientometrics*, 74,(2): 257-271.
- Bauer, K.;Bakkalbasi, N. (2005). "An examination of citation counts in a new scholarly communication environment". *D-Lib Magazine*, 11(9). Retrieved 5 May 2011, from: <http://www.dlib.org/dlib/september05/bauer/09bauer.html>
- Belew, R. (2005). "Scientific impact quantity and quality: Analysis of two sources of bibliographic data". Retrieved 5 May 2011, from: <http://arxiv.org/abs/cs.IR/0504036>.
- Clarka, Levine Michael; Gila, Esther L. (2009). "A comparative citation analysis of web of science, scopus, and google scholar". *Journal of Business & Finance Librarianship*, 14(1):

- 32 – 46. DOI: 10.1080/08963560802176348
- Cronin, B. (2001). "Bibliometrics and beyond: Some thoughts on Web-based citation analysis". *Journal of Information Science*, 27: 1-7.
- DOAJ (2011). "Directory of open access journals". Retrieved 30 March 2011, from: <http://www.doaj.org>
- Falagas, M. E.; et al. (2008). "Comparison of Pub Med, Scopus, Web of Science, and google scholar: Strengths and weaknesses". *FASEB*, 22: 338-342.
- Harnad, S.; et al. (2004). "The access/ impact problem and the green and gold roads to open access". *Serials Review*, 30(4). Retrieved 5 May 2010, from: <http://eprints.ecs.soton.ac.uk/10209/01/impact.html>.
- Hitchcock, S.; et al. (2002). "Open citation linking: the way forward". *DLib Magazine*, 8(10). Retrieved 10 Jan. 2010, from: <http://www.dlib.org/dlib/october02/hitchcock/10hitchcock.html>
- Hutton, Gregory R.G. (2009). "Scientific Grey literature in a digital age: Measuring its use and influence in an evolving information economy". Retrieved 20 Jan. 2011, from: http://www.cais-acsi.ca/proceedings/2009/Hutton_2009.pdf.
- Kousha, Keyvan (2008). "Characteristics of open access web citation network: A multidisciplinary study". *Proceedings of WIS, Berlin*. Retrieved 1 Apr. 2010, from: <http://creativecommons.org/licenses/by/2.0/>
- Kousha, Kayvan; Thelwall, Mike (2006). "Motivations for URL citations to open access library and information science articles". *Scientometrics*, 68(3): 501-517. DOI: 10.1007/s11192-006-0126-9
- (2007a). "Google Scholar citations and Google Web/URL citations: a multi-discipline exploratory analysis". *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 58(7): 1055-1065.
- (2007b). "Sources of Google Scholar citations outside the science citation index: A comparison between four science disciplines". *Scientometrics*, 74(8). Retrieved 5 May 2010, from: <http://www.koosha.tripod.com/GSoutsideSSC.doc>
- (2007c). "The web impact of open access social science research". *Library and Information Science Research*, 29: 495-507.
- Kulkarni, Abhayav; et al. (2009). "Comparisons of citations in Web of Science, Scopus, and Google Scholar for articles published in general medical journals". *JAMA*, 302(10): 1092-1096. doi: 10.1001/jama.2009.1307
- Lawrenc, S.; Giles, C. L.; Bollacker, K. (1999). "Digital libraries and autonomous citation

- indexing". *IEEE Computer*, 32(6):67-71. Retrieved 1 Apr. 2010, from: <http://csdl.computer.org/dl/mags/co/1999/06/r6067.pdf>.
- Lia, Jie ; et al. (2010). "Citation analysis: Comparison of Web of Science®, Scopus™, SciFinder®, and Google Scholar". *Brittona. Journal of Electronic Resources in Medical Libraries*, 7(3): 196 – 217. DOI: 10.1080/15424065.2010.505518
- Perkel, Jeffrey M. (2005). "The future of citation analysis: The challenge is to track a work's impact when published in nontraditional". *SCIENTIST*, 19: 24–29.
- Šembe, Marijan R.; Utrobičić, Ana; Petrak, Jelka (2010). "Croatian Medical Journal Citation Score in Web of Science, Scopus, and Google Scholar". *Croat Med*, 51: 99-103. doi: 10.3325/cmj.2010.51.99
- Siluo, Yang (2010). "The status and trends of web citation study abroad". *Journal of Library Science in China*. Doi: CNKI: SUN: ZGTS.0.2010-04-013
- Swan, A.; Brown, S. (2005). "Open access self-archiving: An author study". Retrieved 20 Apr. 2010, from: <http://eprints.ecs.soton.ac.uk/10999/01/jisc2.pdf>.
- Tenopir, C.; King, D. (2000). *Towards electronic Journals – realities for scientists, librarians and publishers*. Washington D. C: Special Libraries Association.
- Thomson R. (2011). "About citations". [cited 2011 Sep 01]. from: <http://isihighlycited.com/>
- Van Impe, Steven; et al. (2006). "Web-to-Print citations and the humanities". *Information*, 57(8): 422-426.
- Vaughan, L.; Shaw, D. (2003). "Bibliographic and Web citations: What is the difference?" *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54(14): 1313–1322. doi:10.1002/asi.10338
- Willinsky, J. (2005). *The access principle: The case for open access to research and scholarship*. USA: MIT Press, Cambridge, Mass.
- Zhao, D. (2003). "Challenges of scholarly publications on the Web to the evaluation of science - A comparison of author visibility on the Web and in print journals". *Information Processing and Management*, 41(6): 1403 – 1418.
- Zhang, Yanjun (2006). "The effect of open access on citation impact: A comparison study based on web citation analysis". *Libri*, 56: 145–156.

استناد به این مقاله:

حریری، نجلا؛ تیموری خانی، افسانه (۱۳۹۳). مقایسه استنادهای سنتی و تحت وب به مقالات مجلات دسترسی آزاد در حوزه علوم انسانی. *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۵(۱): ۱۲۴-۱۳۹.